

عنوان مقاله:

تبیین غم و اندوه در شروه سرایی های فایز دشتی، محمدخان دشتی و مفتون بردخونی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دوره 12، شماره 42 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسندگان:

حیدر حاجیان - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

مریم پرهیزکاری - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

سید محمود سیدصادقی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

خلاصه مقاله:

ادب غنایی بیان نرم و لطیف احساسات و عواطف شخصی شاعر است و به عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هرچه روح آدمی را متاثر می کند، توجه نشان می دهد. آنچه این نوع ادبی را از غیر آن متمایز می سازد، غلبه عنصر احساس و عاطفه بر دیگر عناصر شعری است. اندوه یکی از عمیق ترین و متاثرکننده ترین احساسات آدمی است که در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه ای به بررسی مولفه های آن در اشعار احساسی و عاطفی فایز دشتی، محمدخان دشتی و مفتون بردخونی پرداخته شده است. هدف از این پژوهش مقایسه این حس در اشعار سه شاعر است و این که شاعران مورد بررسی در کاربرد این گونه مفاهیم چه وجه تشابه و تمایزی با هم داشته اند. در باب نتیجه این تحقیق می توان گفت که تبلور غم و اندوه در اشعار فایز، بیشتر جنبه شخصی دارد و در سروده های مفتون، بیشتر به دلایل خانوادگی و اجتماعی است. در شعر محمدخان دشتی نیز جنبه مذهبی و اجتماعی اندوه نمود چشمگیری داشته است. وی شعری را که به دور از بازگویی رنج و درد و اندوه بشری باشد، به هیچ می گیرد و گاه به سرایندگان بی درد در دوره مشروطیت و بازگشت ادبی تاخته است. در اشعار مفتون علت اندوه وی در ابتدای شاعری اش به شکل گنگ و نامفهوم ظاهر می شود، اما به تدریج علت اندوهش را می توان در تلاش وی برای رسیدن به کمال عرفانی یا غم برآمده از احساس تنهایی در هستی یافت.

کلمات کلیدی:

ادب غنایی، اندوه و غم، شروه، فایز دشتی، محمدخان دشتی، مفتون بردخونی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1487042>

